



کودکان کار؛ قصه‌ای پر غصه

مریم صادق نژاد

پدیده کودکان خیابانی که در سال‌های اخیر در بیشتر نقاط کشور رو به گسترش نهاده است، یکی از معضلات اساسی اجتماعی می‌باشد که جامعه ما هم اینک با آن روبه‌رو است و در صورت عدم پیشگیری و مهار، این پدیده به فاجعه انسانی تبدیل خواهد شد، و در حال حاضر بر پایه آمارهای اعلام نشده تا حد زیادی با این فاجعه روبه‌رو هستیم.

بر اساس مطالعات سازمان بهداشت جهانی، اکثر کودکان خیابان، مورد سوء استفاده جنسی و اقتصادی قرار می‌گیرند و بسیاری از آنها به بیماری‌های غیر قابل درمان مبتلا می‌شوند.

بر اساس گزارشی از یونیسف که در بین ۲۲۴۰ نفر از نوجوانان دبیرستانی ایران انجام شده است، ۶۰ درصد از کودکان آزار دیده‌اند، ۶۱ درصد از آنها آزار جسمی، ۳۳ درصد آزار روانی و ۶/۶ درصد آزار جنسی را تجربه کرده‌اند. در ۲۲ درصد موارد، آزارگر عضو خانواده، ۳۱ درصد خویشاوند نزدیک و ۱۶ درصد آشنای خانوادگی بوده‌اند. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که حدود ۱/۳ درصد کودکان بین ۶ تا ۱۴ ساله

به کار اشتغال دارند و به مدرسه نمی‌روند. این رقم در مناطق شهری ۰/۵ درصد و در مناطق روستایی ۲/۴ درصد است.

کارشناسان انواع بدرفتاری با کودک را به "سوء رفتار جسمی"، "مسامحه با غفلت جنسی" و "سوء رفتار عاطفی و جنسی" تقسیم می‌کنند. انعکاس اخبار کودک‌آزاری نشان می‌دهد که این موارد علیه کودکان وجود دارد. بیشتر موارد کودک‌آزاری در طبقات پایین



با گسترش جمعیت شهری و روستایی، افزایش فقر در جامعه، شاهد وجود کودکان خیابانی و کودکان کار در سطح کلان شهر تهران هستیم. مشخص است کودکان کار به کودکانی اطلاق می‌گردد که به دلیل نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... از آموزش، بهداشت، امنیت و تغذیه، بازی و برابری در برخورداری از نیازهای سنی خود نسبت به فرزندان طبقات دارا و بی‌نیاز و دیگر حقوق واقعی خود محروم مانده‌اند و ناگزیر به کار در کارگاه‌ها، خیابان‌ها، منازل (کار خانگی)، بنادر، کوره‌پزخانه‌ها، مزارع، ترمینال‌ها، پای دار قالی در زیرزمین‌های نمور و حمل کالای قاچاق در مناطق مرزی و... به کار مشغول می‌گردند.

در تهران آنچه از همه در کوچه پس کوچه‌های بازار مولوی، میدان ارک و میادین و ترمینال‌ها، سرگذرها و نقاط دیگر پیدا می‌شود؛ کودکان واکسی، کودکان قندشکن، کودکان فال فروش، کودکان زباله‌گرد، آدامس فروش،

سیگار فروش، نمک فروش، موادفروش، بادکنک فروش، پلاستیک جمع‌کن، چرخی بازار و باربر، کرکره روغن زن مغازه‌ها، گل فروش سرچهارراه‌ها و... ترسیم واقعی شکل‌های ناپایدار و تصادفی مشاغل کاذب یا پارازیت را برای فرزندان کارگران و زحمتکشان به نمایش می‌گذارد که در عمل و تا حدی کودکان خیابانی کار را از کودکان خیابانی جدا می‌سازد.

پدیده کودکان
خیابانی که در سال‌های
اخیر در بیشتر نقاط
کشور رو به گسترش
نهاده است، یکی از
اساسی‌ترین معضلات
اجتماعی می‌باشد

جامعه دیده می شود.

نبود شاهد، وحشت کودک، مسایل حیثیتی خانواده و آموزش ندادن مربیان، مدیران مدراس و دانش آموزان برای آگاهی بخشیدن به کودکان در مقابل کودک آزاری ها سبب شده است که اغلب موارد کودک آزاری پنهان بماند. "کودکی به جرم دختر بودنش از سوی پدر مورد ضرب و شتم قرار گرفت"، "بچه ای از سوی نامادری مورد آزار و اذیت قرار گرفت". اینها از جمله عناوین مربوط به پدیده کودک آزاری است که گاه در مطبوعات کشور به چشم

فقر در جامعه پدیدار می آیند، پس از ماهها بررسی کارشناسانه، خط فقر مطلق در کشور، در مناطق شهری و روستایی، در سطح مطبوعات اعلام شد. بر این اساس، خط فقر شدید بر اساس تکلیف آیین نامه چتر ایمنی تعیین شده است و ۷ میلیون و ۴۶۵ هزار ایرانی زیر خط مطلق فقر به سر می برند. محمدهادی ساعی، آسیب شناس اجتماعی با تاکید بر این که فقر مهمترین عامل حضور کودکان خیابانی است، می گوید: "کودکان خیابانی خانواده های به سامانی ندارند و ۹۸ درصد آنها، از



حدی دست یافت. مثلاً می توان فهمید که حدود ۵/۱ میلیون کودک زیر ۱۵ سال در ایران کار می کنند. از مجموع ۲ میلیون کارگاه سطح استان تهران، تنها کارفرمایان ۵۰۰ هزار کارگاه حق بیمه پرداخت می کنند. این آمار نشان می دهد ۱/۵ میلیون کارگاه فقط در سطح استان وجود دارند که وزارت کار نظارت و کنترلی بر آنها ندارد و اگر تنها ۱۰ درصد از این کارگاه ها، هر کدام فقط یک کودک و نوجوان کارگر داشته باشند، حدود ۱۵۰ هزار کودک و نوجوان در سطح استان تهران کار می کنند که زیر پوشش هیچ بیمه ای قرار ندارند. البته اضافه کردن این مطلب لازم است که در ایران به دلیل غیرقانونی بودن کار کودکان و نیز اشتغال آنها در کارگاه ها که جزو مشاغل تعریف شده نمی باشد، این مساله به صورت پنهان وجود داشته و رقم آمار را کمتر از آنچه که هست، نشان می دهد. اشتغال به کار کودکان زیر پانزده سال، که به رغم وجود ماده ۷۹ قانون کار که اشتغال به کار افراد پانزده سال را ممنوع می کند، به طور روزافزون گسترش می یابد (این قانون شامل تبصره ای است درباره کارهایی که ماهیتشان برای کودکان زیر هجده سال زیان آور است).

در عین حال اگر والدین یک کودک با کارفرمای او قرارداد ببندد، چون کودک به شمار می آید، حق واگذاری و اجاره دادن فرزند خود به صاحبان کارگاه های خصوصی را دارند. ولی جدا از ممنوعیت کار کودکان که بر روی کاغذ قانون کار کودکان نوشته شده و در میثاق نامه های جهانی به آن تاکید شده است، ما شاهد عمق پیشرفتگی پدیده کودکان کار و خیابانی در ایران هستیم.

در ایران با توجه به مشکلات و مصایب پرشمار زندگی کارگران و زحمتکشان و تمامی مزد و حقوق بگیران و گذران مشقت بار روزمره آنان، آنگاه که از فقر صحبت می کنیم، وضعیت کودکان ایران، یک قصه پر درد و غصه ای است که سال هاست دل و جان دوستداران و تلاش گران احقاق حقوق کودکان را می لرزاند. به کار کشیده شدن روزافزون کودکان، در متن بیکارسازی گسترده کارگران، دستمزدهای نازلی که کفاف حداقل یک زندگی انسانی را هم نمی دهد، فقدان وجود حق تشکل مستقل و برپایی اجتماعات، امنیت شغلی و اخراج های دسته جمعی، تعطیلی واحدهای تولیدی و کارخانه ها و از بی آن بیکاری فرایند... مشکلات فراوانی برای کارگران و اعضای خانواده آنان و به ویژه کودکان دختر و پسر یکایک این زحمتکشان به وجود آورده است.

مشکلات معیشتی به تکدی گری و کار در خیابان روی آورده اند. وی همچنین افزود: "در سال های اخیر افزایش بی رویه جمعیت، شکاف طبقاتی، گسترش فقر و حاشیه نشینی، افزایش تعداد خانواده های بد سرپرست، بی سرپرست و تک سرپرست سبب افزایش آمار کودکان خیابانی در سال های اخیر شده است. کودکانی که از فقر و بیماری- سرطان و ایدز- بی صدا گرسنگی می کشند و می میرند!

اگر فراموش نکنیم طبق روال مرسوم، کشورمان در چنین عرصه هایی، آمارهای رسمی معمولاً طوری محاسبه می شوند که ضریب بالایی از واقعیت ندارند. با این همه اگر هم نخواهیم با حدس و گمان به رقم تخمین آماری بنشینیم، می توان از بیان واقعی وضعیت کار در سطح کارگاه ها به وجود نیروی کار تا

می خورد. مسوولان اظهار می دارند: "اگر چه در احکام اسلامی و قوانین کشور ما احترام به کودک توصیه و قوانینی برای برخورد با کودک آزاران تدوین شده است، اما "ترس از طلاق"، "گرفتاری های احتمالی" رعایت مسایل عرفی" مانند شرم، مداخله نکردن در امور خانواده ها و همسایه ها و "دشواری تهیه اسناد و اثبات کودک آزاری" از موانع اعلام و رسیدگی به پدیده کودک آزاری است".

قبلاً تصور کودک کار وجود نداشت. همه، همان کودکان خیابانی بودند و انجمن های غیر دولتی، هیچ وجه تمایزی برای کودک کار و کودک خیابانی قایل نمی شدند. ترکیب واژه های کودک و کار را مطبوعات و رسانه ها به فرهنگ لغت آوردند و اسمش را گذاشتند کودکان کار. ولی با توجه به تفاوت مضمونی کودکان کار با کودکان خیابانی که در مجموع از گسترش خط